

صحيفة الحسن عليه السلام

[139] گردید، سوگند به خداوند که او درهم و دیناری از خود بجای نگذاشت، جز چهارصد درهم که می خواست برای خانواده اش از آن کنیزی را بخرد. دوستم و جدم پیامبر بمن خبر داد که خلافت را دوازده امام از خاندان و برگزیدگان از آن حضرت بدست خواهند گرفت، تمامی ما یا به قتل می رسیم یا مسموم می گردیم. آنگاه از منبر پائین آمد، و ابن ملجم را فرا خواند، او را نزد حضرتش آوردند، او گفت: ای پسر رسول خدا مرا باقی گذار برای تو کار خواهم کرد، و در مورد دشمنی در شام تو را یاری می نمایم، امام شمشیری بر او زد، او دست خود را جلو برد، انگشت او قطع گردید، آنگاه ضربت دیگری بر او نواخت و او را به قتل رساند - لعنت الهی بر او باد. (16) خطبه آن حضرت در فضیلت خودش و پدرش روایت شده: آن حضرت بعد از شهادت پدرش در میان مسلمانان آمده و پدرش را بیاد آورد و فرمود: او آخرین اوصیای الهی و وصی آخرین پیامبر خداوند، و پیشوای راستگویان و شهداء و صالحان بود. آنگاه فرمود:
